



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



اربعین

مهدی آقابابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اربعین

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	اربعین
۶	مشخصات کتاب
۶	اربعین
۱۰	آمدن جابر به کربلا در روز اربعین
۱۲	بیان شخصیت جابر
۱۴	عَطِيَّةُ كَيْسْت (عَطِيَّةُ عَوْفِي الْكُوِي مَقَاوَمْت)
۱۴	ولادت
۱۴	خاندان عَطِيَّةُ
۱۴	مقام علمی عَطِيَّةُ
۱۴	اساتید و شاگردان عَطِيَّةُ
۱۵	آثار علمی
۱۵	ابعاد شخصیت سیاسی عَطِيَّةُ
۱۶	مقاومت عَطِيَّةُ
۱۷	زیارت اربعین
۱۹	منابع و مأخذ
۲۱	پی‌نوشت
۲۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اربعین

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱

عنوان و نام پدید آور: اربعین / مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام حسین (ع)

اربعین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از معتقدات مردم که همواره سنت بر آن جاری بود تذکار و تشکیل مجلس یادبود برای درگذشتگان پس از گذشت چهل روز می‌باشد، روز اربعین خویشتاوندان و دوستان میت پیرامون همدیگر اجتماع می‌کنند و برای بزرگداشت متوفی و طلب مغفرت خیرات و مبرات کرده و اشعار و مراثی می‌خوانند و خصوصیات اخلاقی و مزایای اجتماعی او را بیان می‌کنند و چون آدمی فراموشکار است و همواره به امور مرگ و آخرت توجهی ندارد از این جهت تشکیل مجلس چهلم برای زندگان نیز مفید است و آنان را به یاد مرگ می‌اندازد.

انعقاد مجلس اربعین و گفتگوهایی که در آن رد و بدل می‌شود و خطبه‌ها و اشعاری که در آنجا خوانده می‌شود در دلها اثر می‌گذارد و مردم از این گفتگوها و بیان فضائل اخلاقی استفاده می‌کنند و آن خطبه‌ها و اشعار و مراثی در کتابها ثبت شده و مرور تاریخ آنها را از بین نمی‌برد آیندگان نیز از آن استفاده می‌کنند.

این سنت حسنه که همواره جاری بوده و در مورد شخص متوفی تفاوت دارد، البته معلوم است که متوفی اگر دارای شخصیت ممتاز باشد و فضائل و برکات داشته باشد مجلس آن هم به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند، در این گونه مجالس به تناسب مقام از فضائل و مکارم سخن گفته می‌شود و از اصلاحات جامعه و دفع مضار و مفساد و جلب منافع گفتگو می‌گردد و مردم را به طرف تهذیب نفس و کسب خیرات دعوت می‌کنند.

ابوذر غفاری از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند که آن جناب فرمود:

زمین بر مؤمن متوفی چهل روز گریه می‌کند (۱)

و زراره از حضرت صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نقل کرده که آن حضرت فرمود:

آسمان برای حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ چهل روز گریه کرده و علامت این گریه آن بود که در این مدت هنگام صبح آسمان خون آلود می‌شد و زمین نیز چهل روز گریه کرد و آفتاب هم چهل روز که علامت آن طوفانهای سیاه و کسوف و قرمزی در زمین و آسمان بود و نیز فرمود:

ملائکه نیز چهل روز بر آن حضرت گریستند و زنان بنی هاشم خضاب نکردند و روغن به سر نکشیدند و چشم‌ها را سرمه نزدند تا آنگاه که سر عیدالله بن زیاد را برای ما آوردند و ما همواره با چشم گریان هستیم و مصیبت حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را فراموش نمی‌کنیم. (۲)

این سنت همچنان در خانوادهها برقرار است و تا مدت چهل روز یادبود متوفی در منازل هست و روز چهلم در سر قبر او اجتماع

می‌کنند و خویشاوندان و دوستان در آنجا گرد می‌آیند، این مطلب تنها به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه مسیحیان هم چنین عمل را انجام می‌دهند و آنها هم روز چهارم میت در کلیسا جمع می‌شوند و نماز مخصوصی را می‌خوانند و بار دیگر در نیمه سال و هم چنین در آخر سال این عمل را تکرار می‌کنند و یهودیان نیز پس از گذشت سی روز از فوت شخص و هم چنین بعد از گذشت نه ماه و بار دیگر و در پایان سال اول مراسم مخصوصی را برگزار می‌کنند (۳)

این همه تشریفات و مجالس برای اینست که نام متوفی زنده بماند و مردم از آثار و رفتار وی درس بگیرند و متوجه آخرت گردند. کسانی که در کتب و سیر تحقیق و مطالعه دارند و حالات مصلحان جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهند، مردی را که از هر جهت شایسته تکریم و تجلیل باشد و زندگی او درس و آموزنده باشد و مردم را به سعادت و فضیلت سوق دهد و از آزادی و حُریت دفاع نماید و جان خود را در راه هدف مقدسش بدهد و جامعه را به متابعت از مقررات مذهب و اخلاق فاضله دعوت کند کسی جز حسین بن علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نخواهد بود.

آری حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ که در راه هدفهای عالی به شهادت رسید و برای بسط عدالت و تهذیب اخلاق مسلمانان جان خود را از دست داد، بسیار شایسته است که برای او مجالس و محافل تشکیل شود و فضائل و مناقب او گفته آید، تا مردم از مکتب آن جناب درس فداکاری بیاموزند، از این رو مردم برای آن حضرت روز اربعین مجلس تشکیل می‌دهند و در کنار قبر مقدس او جمع می‌شوند.

در میان مردم معمول است که اربعین برای متوفی در سال اول تشکیل می‌شود و در سالهای بعد دیگر تکرار نمی‌گردد، این عمل به خاطر اینست که در افراد معمولی و عادی چندان مزیت و رجحانی نیست که بتوان هر سال این کار را تکرار کرد و مجلس یادبود تشکیل داد.

اما در مورد سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ این مورد مستثنی است، زیرا قیام و شهادت آن حضرت اختصاص به یک سال و چند سال ندارد و باید تشکیل و انعقاد مجلس درباره‌ی آن جناب همه ساله تکرار شود تا مردم از آن واقعه و حادثه درس بگیرند و از نتایج آن قیام مقدس استفاده بکنند و از ظلم و ستم و فساد بنی امیه مطلع گردند.

از این رو عادت شیعیان بر این جاریست که همه ساله در اربعین مجالس مصیبت و عزا برای امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ تشکیل می‌دهند و در آن فضائل و مناقب و علل قیام و فداکاری آن حضرت سخن می‌گویند و شعراء مرثیه می‌گویند و خطباء خطبه می‌خوانند و اوضاع و احوال کربلا را تشریح می‌کنند.

از حضرت امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ روایت شده که فرمود:

علامت مؤمن در پنج چیز است:

۱ - ۵۱ رکعت نماز گذاشتن که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله در هر شبانه روز،

۲ - زیارت اربعین کردن

۳ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بلند گفتن

۴ - انگشتر در دست راست کردن

۵ - و پیشانی بر خاک گذاشتن. (۴)

این حدیث ما را به روشی که شیعیان در مورد بر پا داشتن مراسم یادبود حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ دارند راهنمایی می‌کند.

تشکیل مجالس و انعقاد محافل در روز اربعین از ناحیه افرادیست که به پیروی و دوستی امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ معترف هستند و امامت آن حضرت را تصدیق دارند، از این رو در روز اربعین با خواندن اشعار و مرثیه اعتقاد خود را به امامت سیدالشهداء

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اظهار می‌دارند و از مصائب و ناملایماتی که برای آن جناب و افراد خاندانش پیش آمد گفتگو می‌نمایند و با آن جناب تجدید عهد می‌کنند.

اشخاصی که می‌خواهند در این حدیث شریف تصرف کنند و «زیارت اربعین» را حمل بر زیارت چهل نفر مؤمن بکنند، به اشتباه می‌روند و سیاق کلام را درک نمی‌کنند، زیرا اگر مقصود چنین بود می‌بایست جمله را بدون الف و لام اداء کند، پس زیارت الاربعین که با الف و لام عهد بیان شده است، این نکته را می‌فهماند که آن از علایم ایمان و دوستی با ائمه اظهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم می‌باشد.

علامت نخستین که خواندن ۵۱ رکعت نماز باشد در شب معراج تشریح شد و سپس به ۱۷ رکعت در پنج وقت منحصر گردید و بقیه به صورت نوافل بیان شد که در مواقع مخصوصه خوانده می‌شود، در مذهب تشیع این نوافل را باید به ترتیب ذیل خواند: هشت رکعت قبل از ظهر و هشت رکعت قبل از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت بعد از نماز عشاء که به صورت نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت محسوب می‌گردد و دو رکعت قبل از نماز صبح و یازده رکعت نماز شب. این نمازهای واجب و مستحبی به طریق مذهب تشیع است و اما اهل سنت در فرائض با شیعیان اتفاق دارند و لیکن در مستحبات و نوافل اختلاف پیدا کرده‌اند، ابن همام حنفی در فتح القدر ج ۱ ص ۳۱۴ گفته: دو رکعت قبل از فجر، چهار رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن و چهار رکعت قبل از عصر و اگر بخواهد دو رکعت هم کفایت می‌کند و دو رکعت بعد از مغرب و چهار رکعت قبل از عشاء و چهار رکعت بعد از آن و دو رکعت هم می‌تواند بخواند. مجموع اینها ۲۳ رکعت می‌شود، در نوافل شب اختلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند:

هشت رکعت، یا دو رکعت، یا سیزده رکعت و یا بیشتر مجموع نمازهای واجب و مستحب با این طریق ۵۱ رکعت نیست، بنا بر این نمازهای ۵۱ رکعت در شبانه روز از مختصات امامیه است.

دوم از علامت‌های مؤمن بلند گفتن بِسْمِ اللَّهِ در نماز است، که این از مختصات مذهب تشیع است و در نمازهای جهریه تسمیه را واجب می‌دانند و در نمازهای اخفاتی مانند ظهر و عصر مستحب است، دلیل آنها در این مورد اخبار و روایاتیست که از ائمه اظهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم رسیده است.

فخرالدین رازی گوید:

شیعیان عقیده دارند که جهر به تسمیه در نمازها واجب است و لیکن فقهاء با این عمل مخالفت کرده‌اند و به تواتر ثابت شده است که حضرت علی بن ابیطالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ را در نماز با صدای بلند می‌خوانده و هر کس در اعمال خود به علی اقتداء کند هدایت می‌گردد، دلیل بر گفتار حدیثیست که از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسیده که فرمود:

خداوندا حق را با علی قرار بده، هر جا که رفت حق هم به دنبال او برود. (۵)

آلوسی از این کلام فخرالدین رازی ناراحت شده و بر وی اعتراض کرده که همه اخبار متواتره از علی درست نیست و اعتقاد به این موضوع کفر است و ما به بعضی از این اخبار ایمان داریم و بعضی را هم قبول نداریم و البته گفتار او در این که هر کس از علی پیروی کند هدایت می‌گردد درست است و این در صورتیست که صدور این روایت از علی مسلم باشد و اگر ثابت نشد قابل قبول نیست. (۶) البته شیعیان به این سخنان آلوسی توجهی نخواهند کرد، شیعیان امیرالمؤمنین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در طریق محبت و ولایت استوار هستند و با فرمایشی که حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره‌ی آن جناب فرموده:

ای علی خداوند را جز تو و من کس دیگر نشناخته و مرا و تو را هم جز خداوند دیگری نشناخته است و تو را هم جز خداوند و من دیگری نشناخته. (۷)

اهوی علیاً و ایمانی محبته

کم مشرک ذمه من سیفه و کفی
ان کنت و یحکک لم تسمع مناقبه
فاسمعه هل اتی یا ذالغبی و کفی (۸)

سوم از علامت مؤمن که در حدیث ذکر شده انگشتر در دست راست کردن است، این سنت از مختصات امامیه است و دلیل آنها روایاتیست که از ائمه اطهار صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ رسیده و لیکن گروهی از اهل سنت با این عمل مخالفت کرده‌اند. ابن حجاج مالکی گوید:

در سنت وارد شده که هر چیز کثیف را با دست چپ باید گرفت و هر چیز پاک را با دست راست، برای همین جهت مستحب است که انگشتر را در دست چپ قرار داد و انگشتر را با دست راست در دست چپ باید قرار داد. (۹) ابن حجر گوید:

مالک انگشتر در دست راست را مکروه می‌دانست و می‌گفت:
باید در دست چپ باشد.

(۱۰) و شیخ اسماعیل بروسوی در عقدالدرر گفته: اصل در این بود که انگشتر در دست راست باشد و لیکن چون شعار اهل بدعت و ستمگران در این بود از این رو سنت بر این جاری شد که انگشتر در دست چپ قرار گیرد (۱۱) (۱۲) چهارم از علائم ایمان جبین بر خاک نهادن است.

اگر مقصود از جبین صورت باشد همانطور که صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی گفته است و او مدعیست که در لسان اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ جبین در صورت استعمال شده است همانطور که در حدیث تیمم وارد شده. بنا بر این مقصود از حدیث اینست که در مسجد باید صورت انسان بر زمین قرار گیرد و اهل سنت این را لازم نمی‌دانند، ابوحنیفه و مالک و احمد در یکی از اقوال خود گفته‌اند:

که سجده بر طرف عمامه (۱۳) و یا جامه و هر لباس (۱۴) جایز است و نیز حنفیه عقیده دارند که سجده بر کف دست هم جایز است و لکن کراهت دارد. (۱۵) و هم چنین تجویز کرده‌اند که سجده بر گندم و جو و بر تختی که روی آن نشسته و بر پشت یک نماز گزار که در مقابل او نماز می‌خواند. (۱۶)

و اگر چنانچه مقصود از جبین خود پیشانی می‌باشد در این جا معنی ارشادی دارد و مقصود اینست که در سجده‌ی شکر پیشانی بر خاک نهادن مستحب است و گویا این عمل برای اظهار تواضع و فروتنی در برابر خداوند است و صاحب مدارک از این حدیث چنین استنباط کرده است که هر دو طرف صورت را در هنگام سجده بر خاک بگذارد و سید بحرالعلوم در منظومه‌ی خود گفته:

والخد اولی و به النص جلی
و فی الجبین قد آتی محتملا
یعنی:

در سجده‌ی شکر گونه را بر خاک گذاشتن او لیست و در این مورد نص صریح وارد شده است و در مورد شقیقه هم احتمال استحباب وجود دارد.

در روایات وارد شده است که بر خاک گذاشتن هر دو طرف صورت در سجده‌ی شکر مستحب است.

(۱۷) و موسی بن عمران صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در مناجات خود بدین وسیله مقرب در گاه خداوند گردید. (۱۸) امامیه در تعفیر جبین (گذاشتن گونه‌ها بر سجده‌گاه) به هر دو معنی که گفته شد پیشانی یا صورت عمل می‌کنند و در این مورد خلافاً ندارند و لیکن اهل سنت خود را ملتزم به تعفیر نمی‌دانند چه در نماز و چه در سجده شکر، نخعی و مالک و ابوحنیفه سجده شکر را مکروه دانسته

و لیکن بعضی از حنابله (۱۹) و شافعیان در هنگام رفع گرفتاری و یا رسیدن به یک موفقیت جایز می‌دانند. (۲۰) از مطالبی که نقل کردیم روشن شد که این امور چهارگانه از علائم ایمان است و زیارت اربعین یکی از آن موارد می‌باشد. مقصود از زیارت اربعین اینست که دوستان اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ در کنار قبر حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اجتماع کنند و با تشکیل مجالس عزا با آن حضرت تجدید عهد نماید و از ستمی که بر آن جناب و اهل بیتش وارد شد گفتگو نمایند و از این جهت حضور در کربلا روز اربعین از علائم ایمان شمرده شده است. شگفتی از اینجاست که گروهی در این حدیث تصرف کرده و گفته‌اند: که مقصود از زیارت اربعین، زیارت ۴۰ نفر مؤمن است در صورتی که در این حدیث از مؤمن ذکر نشده و قرینهای هم که مؤید این نظریه باشد در دست نیست.

زیارت چهل نفر مؤمن در اسلام تاکید شده و شیعیان و اهل سنت آن را از علائم ایمان می‌دانند و این اختصاص به اهل ایمان ندارد تا از همدیگر تمیز داده شوند. آری تنها زیارت اربعین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است که مؤمن خالص را از دیگران تمیز می‌دهد و دوستان اهل بیت را از غیر آنان جدا می‌کند، این افراد با اشتیاق زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در حائر مقدس جمع می‌شوند و خود را جزء پیروان دوستان آن حضرت قرار می‌دهند و با این عمل خود اقدام شهدای کربلا را تأیید می‌کنند. دلیل بر این که مقصود از زیارت اربعین زیارت حضرت سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در روز بیستم ماه صفر است توجه علماء اعلام به زیارت اربعین امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ می‌باشد.

شیخ طوسی در تهذیب ج ۲ ص ۱۱۷ باب فصل زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ پس از فضیلت زیارات مطلقه‌ی زیارات مختصه را ذکر کرده که یکی از آن زیارات مخصوصه زیارت روز اربعین است و در مِصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ نیز همین را ذکر نموده است و سپس گفته: در روز بیستم ماه صفر خاندان امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ از شام به طرف مدینه حرکت کردند و جابر بن عبدالله انصاری در این روز وارد کربلا شد و سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را زیارت کرد و او اولین فردی بود که در روز اربعین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را زیارت کرد.

و از حضرت امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز وارد شده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث که ذکر شد. علامه حلی در منتهی الارب کتاب زیارات گفته: مستحب است زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در روز بیستم صفر و شیخ طوسی را از امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ روایت کرده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث و سید رضی الدین ابن طاووس نیز گوید:

زیارت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در روز بیستم صفر مستحب است و جد ما شیخ ابوجعفر از امام عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ روایت کرده که علامت مؤمن پنج چیز است تا آخر حدیث.

علامه مجلسی در کتاب مزار بحار الانوار و شیخ یوسف بحرانی در حدائق و شیخ عباس قمی در مفاتیح زیارت اربعین را ذکر کرده‌اند و حدیث حضرت عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را به زیارت اربعین امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ارتباط داده‌اند و همچنین شیخ مفید در مسأله‌ی الشیعه و علامه حلی در تذکره و تحریر و ملامحسن فیض در تقویم المحسنین استجاب زیارت روز اربعین را ذکر کرده‌اند و تفسیر شیخ بهایی در توضیح المقاصد که زیارت اربعین را بر روز نوزدهم ماه صفر مقرر کرده خلاف متعارف است، شیخ بهاء الدین اربعین را از روز دهم محرم حساب می‌کند (۲۱)

آمدن جابر به کربلا در روز اربعین

شیخ جلیل القدر عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم طبری مسنداً از عَطِیَّةُ بن سعد روایت کرده است که گفت:

با جابر بن عبدالله انصاری به جهت زیارت قبر امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بیرون رفتیم. چون به کربلا وارد شدیم، جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد، جامه‌ای را لنگ خود نمود و جامه‌ی دیگر را بر دوش افکند، پس بسته‌ای که در آن سعد (گیاه خوشبوئی) بود گشود و از آن بر بدن خود پاشید و به جانب قبر روان شد.

گامی بر نمی‌داشت مگر با ذکر خدا تا نزدیک قبر رسید. به من گفت:

دست مرا بر قبر بگذار. من دست او را بر قبر گذاشتم.

چون دستش به قبر رسید بی‌هوش بر روی قبر افتاد. آب به رویش پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت:

یا حسین (آنگاه امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را مخاطب قرار داده، عرض کرد):

«حیب لا یجیب حیبه!»

«آیا دوست جواب دوست خود را نمی‌دهد!».

بعد با خود گفت:

کجا توانی جواب دهی و حال آنکه رگهای گردن تو را بریده‌اند و ما بین سر و بدن تو جدایی افتاده است.

شهادت می‌دهم که تو فرزند خاتم انبیاء، فرزند سید المؤمنین هستی، فرزند کسی هستی که ملازم تقوی، سلیل هدایت بود، پنجمین اصحاب کساء، پسر سید نباء، فرزند فاطمه زهراء سید و سرور زنان و چگونه چنین نباشی و حال آنکه دست سیدالمرسلین تو را پرورش داده، در آغوش متقین پرورش یافتی، از پستان ایمان شیر خوردی و با اسلام از شیر گرفته شدی و در حیات و ممات پاکیزه بودی.

همانا دل‌های مؤمنین در فراق غمین است، با این که در نیکویی حال تو شکی نیست پس سلام و خشنودی خدا بر تو باد و همانا شهادت می‌دهم که تو بر شیوه‌ی برادرت یحیی بن زکریا گذشتی ... بعد جابر به دیگر شهداء سلام داد و گفت:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ الْحُسَيْنِ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ»....

سپس فرمود:

سوگند به آنکه محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به حق مبعوث کرد، ما هم در مقام و مرتبت شما شریک هستیم. عَطِيَّةٌ به جابر عرض کرد:

چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آنکه ما بیابانی نپیمودیم و کوهی بالا نرفتیم و شمشیری نزدیم، اما این گروه مابین سر و بدنشان جدایی افتاده و اولادشان یتیم و زن انسان بیوه گشته اند!

جابر گفت:

ای عَطِيَّةُ، از حیب خود رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حَشِرَ مَعَهُمْ وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ أُشْرِكَ فِي عَمَلِهِمْ»

«هر کس گروهی را دوست داشته باشد با آنها محشور شود و هر کس عمل قومی را دوست داشته باشد در آن شریک شود».

سوگند به خداوند که محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به حق به پیامبری مبعوث کرد که نیت من و اصحابم بر آن چیز است که حضرت حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و یاران او بود.

پس جابر گفت:

مرا به کوفه ببر.

عَطِيَّةُ گوید:

چون اندکی راه رفتیم فرمود:

ای عَطِیَّةُ آیا تو را وصیت نکنم در حالی که گمان ندارم بعد از این سفر دیگر تو را ملاقات کنم؟ (عرض کردم:

بفرمایید فرمود:)

«أَحَبُّ مِحْبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مِمَّا أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغَضُ مُبْغَضِ آلِ مُحَمَّدٍ مِمَّا أَبْغَضَهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَوَامًا قَوَامًا وَ أَرْفُقَ بِمِحْبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَلَّ لَهُمْ قَدَمٌ بَكَتْرَهُ ذُنُوبِهِمْ ثَبَّتَ لَهُمْ أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ فَإِنَّ مُحِبَّهُمْ يَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مُبْغَضُهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ»

«دوستان آل محمد را دوست بدار مادامی که ایشان را دوست می‌دارند و دشمنان آل محمد را دشمن بدار مادامی که دشمن ایشان هستند، اگر چه فراوان روزه بگیرند و نماز بگذارند و با دوست (محمد و آل محمد مدارا کن، چون اگر پایی از ایشان در اثر زیادی گناه بلغزد پای دگرش به خاطر دوستی ایشان استوار و ثابت بماند همانا دوست ایشان به بهشت و دشمن ایشان به دوزخ بازگردد.»

(۲۲)

بیان شخصیت جابر

کشی نقل کرده است که او از نخستین کسانی بود که به سوی امیرمؤمنان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بازگشت (۲۳)

او آخرین باقیمانده‌ی اصحاب رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود.

او به طور کامل به اهل بیت پیوسته بود.

در مسجد می‌نشست و در حالی که عمامه‌ی سیاه به سر بسته بود صدا می‌زد:

«ای شکافنده‌ی دانش»، (۲۴)

او عصا زنان در کوچه‌های مدینه می‌گشت و می‌گفت:

«علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بهترین انسانهاست» (۲۵) و چون پیرمردی کهنسال بود، حجاج کاری به او نداشت». (۲۶)

محدث نوری گوید:

«و از نخستین کسانی است که پیش از همه به حضرت امیرمؤمنان علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ پیوستند. او حامل سلام رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به شکافنده علوم اولین و آخرین است.

او نخستین کسی بود که در روز اربعین به زیارت ابا عبدالله صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رفت. سند اخبار لوح آسمانی، که اخباری از خدای پروردگار جهانیان بر خلافت امامان هدایت در آن درج است، به او ختم می‌شود. از میان همه‌ی صحابه تنها او موفق شد آن لوح را که نزد حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا بود، ببیند. علاوه بر این نیز او مناقب و فضایل بی‌شماری دارد» (۲۷)

محدث قمی از او چنین یاد می‌کند:

«او صحابی جلیل‌القدریست که ارتباط او با اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و منزلت والای او مشهورتر از آن است که ذکر گردد. در سال ۷۸ هـ. ق درگذشت و روایاتی که نشانگر فضایل او هست بسیار فراوان می‌باشد.»

آنگاه پس از ذکر برخی از آنها می‌گوید:

«از اسدالغابه» نقل شده است که او درباره‌ی جابر گفت:

وی در هجده جنگ با پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شرکت جست و در جنگ صفین با علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ همراه بود.

او در پایان عمر کور شد... او آخرین تن از کسانی است که در عقبه شرکت داشت و در مدینه از دنیا رفت. تا آن جا که می‌گوید:

او حدیث فراوان به یاد داشت و حافظ سنت‌های [رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ] بود.

شیخ (ره) گفت:

او در بدر و هجده غزوه با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شرکت داشت و این مطابق قول جابر است که گفت:
در نوزده جنگ شرکت داشتم
و الله العالم». (۲۸)

حضرت آیت الله العظمی خویی نوشته است که: او در بدر و هجده غزوه همراه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شرکت داشت. از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، اصحاب برگزیده‌ی علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و اعضای شُرْطَةُ الْخَمِيسِ آن حضرت و اصحاب حسن، حسین، سجاد و باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم و مردی بلند مرتبه بود.
مرحوم کلینی از امام باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نقل کرده است که فرمود:
«و جابر دروغ نگفت (۲۹)». (۳۰)

در جنگ جمل، نهروان و صفین از یاران امیرمؤمنان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بود و در یکی از جنگ‌ها چشمش آسیب دید و از کار افتاد.
جابر بن عبدالله انصاری ۹۴ سال عمر کرد. جابر در جنگ بدر شرکت داشت و در جنگ «أُحُد» پدرش (عبدالله) وی را سرپرست هفت خواهرش نمود و خود به جنگ رفت و به شهادت رسید ولی در ادامه آن، یعنی در جنگ «حَمْرَاءُ الْأَسَد» جابر شرکت جست و در سال بعد هم در جنگ ذَاتِ الرِّقَاع حضور یافت. در این جنگ بود که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از او پرسید:
آیا ازدواج کرده‌ای؟ جابر پاسخ داد:
آری، فرمود:

با چه کسی؟ جابر جواب داد:

با فلان زن. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

چرا با دختری ازدواج نکردی؟ گفت:

پدرم شهید شد و هفت خواهرم زیر نظر من زندگی می‌کنند، از این رو با کسی ازدواج کردم که سمت مادری داشته باشد.
پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در حق او دعا کرد. او در جنگ خندق همراه علی بن ابیطالب صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مقابل عمرو بن عبدود حاضر شد.

در روز عاشورا امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ از لشکر عُمَرُ بْنُ سَعْدِ خَواست تا از جابر بن عبدالله انصاری حقانیت او را جویا شوند.
روزی امام سجاد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ همراه امام باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ به عیادت جابر رفتند. امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ به فرزندش فرمود:
سر عموی خود را ببوس جابر که نابینا بود پرسید:

این جوان کیست؟

گفتند:

او محمد بن علی (امام باقر صلوات الله علیه) است.

جابر به یاد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ افتاد و سلام آن حضرت را به محمد بن علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم ابلاغ کرد.
جابر که با عطیه عوفی یکی از دانشمندان روزگارش، خود را در روز اربعین به کربلا- رسانیدند، در شط فرات غسل کرد، با دو پارچه مانند حاجیان مُحْرَم شد، با سر و پای برهنه، با دلی پر از غم و اندوه به زیارت قبر محبوب خود، حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مشرف شدند. در آن هنگام، ورود کاروانی نظر آنان را به خود جلب کرد. جابر به غلامش گفت:
اینان کیستند؟ اگر از کارگزاران یزیدند، خودمان را پنهان کنیم و اگر زین العابدین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و همراهان او هستند، تو را در راه خدا آزاد می‌کنم. غلام رفت و برگشت و گفت:
زین العابدین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ همراه با عمه‌ها و خواهران و همراهانند. آنان هنگامی که نزدیک شدند، جابر با سر و پای برهنه از

آنان استقبال کرد و همگی گریستند. صدای شیون بلند شد.

جابر خود را روی قدمهای امام سجاد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ انداخت و می‌بوسید و تسلیت می‌گفت؛ امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ پرسید: «أَنْتَ جَابِرٌ؟» جابر پاسخ داد:

«أَنَا جَابِرٌ». امام صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سپس فرمود:

«ای جابر، این جا پدرم به قتل رسید. این جا جوانان ما را سر بریدند. این جا خیمه‌های ما را به آتش کشیدند، از این جا زنان ما را به اسیری بردند». (۳۱) (امام سجاد صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کربلا برای جابر و همراهانش، روضه خواند).

عَطِيَّةُ كَيْسَتِ (عَطِيَّةُ عَوْفِي الْكُوِي مَقَامَت)

ولادت

با طلوع خورشید حکومت علوی در کوفه غنچه ای شکوفا شد تا تماشاگر آفتاب امامت باشد.

گرچه تاریخ دقیق این واقعه مشخص نیست؛ ولی می‌توان گفت:

در سالهای ۳۶ - ۴۰ قمری، روزی سعد بن جُنَادَه به آستان حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شرفیاب شد، ولادت فرزندش را به عرض حضرت رساند و تقاضای نامگذاری کرد.

حضرت نوزاد را در آغوش گرفت و فرمود:

«هَذَا عَطِيَّةُ اللَّهِ» این نوزاد عطا و موهبت الهی است.

(۳۲) حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بعد از مراسم نامگذاری، برای عَطِيَّةُ صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای کودک غذا تهیه کرد. (۳۳)

خاندان عَطِيَّةُ

عَطِيَّةُ عَوْفِي در یکی از خاندان‌های معروف عرب که از طایفه بَكَّالِي بود چشم به گیتی گشود. بَكَّالِي تیره‌های از قبیله بنی عوف بن إِمْرُؤُ الْقَيْسِ شمرده می‌شد و در بین قبایل عرب شأن و منزلتی خاص داشت. چون عَطِيَّةُ از قبیله بنی عوف بود به او عَطِيَّةُ عَوْفِي می‌گویند. (۳۴)

گویا مادرش در شمار اسرای آزاد شده رومی جای داشت و همسر سعد شمرده می‌شد (۳۵)

مقام علمی عَطِيَّةُ

عَطِيَّةُ، از نظر طبقات رجالی، در گروه تابعین جای دارد یعنی از طبقه‌ایست که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ندیده و بدون واسطه سخنی از وی نقل نکرده است.

او از اصحاب حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و امامان بعد از او تا امام محمد باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ به شمار می‌آید. (۳۶) عَطِيَّةُ از دانشمندان بزرگ و اسلام شناس عصر خویش شمرده می‌شد و از چنان مقام علمی برخوردار بود که حتی دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد اعتماد می‌دانستند و دانش تفسیری و حدیثی‌اش را تأیید می‌کردند (۳۷)

اساتید و شاگردان عَطِيَّةُ

عَطِيَّةُ استادانی برجسته داشت که در اسلام و تشیع از جایگاهی والا- برخوردار بودند. کتاب «تهذیب التهذیب» نام هشت تن از استادان وی را بر می‌شمارد. کتاب «طبقات» شش تن از استادانش را معرفی کرده و از دیگران نام نبرده عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری از معروفترین استادان او شمرده می‌شوند. (۳۸) این شخصیت علمی شاگردان بسیاری تربیت کرد. کتاب «تهذیب التهذیب» نام شانزده تن از آنها را ثبت کرده است.

اعمش و پسران عَطِيَّةُ (حسن و عمر و علی) در این گروه جای دارند. (۳۹) علی بن عَطِيَّةُ از اصحاب امام صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز به شمار می‌آید. (۴۰)

آثار علمی

۱- تفسیر قرآن عَطِيَّةُ دست پرورده استادی بزرگ چون ابن عباس بود و پنج جلد تفسیر قرآن نگاشت. (۴۱) دانشمندان اهل تسنن از این تفسیر بهره‌های فراوان برده‌اند.

آثار عَطِيَّةُ نزد علمای اهل سنت معتبر است (۴۲)

و بزرگانی چون طبری، خطیب بغدادی از آثار این دانشور بزرگ بهره فراوان بردند. (۴۳) عشق عَطِيَّةُ به علوم قرآنی و انس وی با قرآن به اندازه‌های بود که خودش می‌گوید:

من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را نیز هفتاد بار در کنارش خواندم. (۴۴)

۲- دومین اثر جاودان عَطِيَّةُ خطبه فدک حضرت زهرا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا است.

حضرت این خطبه را در مسجد النبى ایراد فرمود. عَطِيَّةُ آن را برای عبدالله ابن حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نقل کرد و در تاریخ به یادگار نهاد. (۴۵)

۳- زیارت اربعین یادگار جاودان دیگر عَطِيَّةُ زیارت گرانقدر و با عظمت اربعین اباعبدالله الحسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است.

او همراه جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر اکرم صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامٍ در اربعین شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ کنار تربت مطهر آن حضرت حضور یافت اشک ماتم ریخت و نامش را به عنوان نخستین زائر کوی حسین جاودانه ساخت. (۴۶) جایگاه زیارت اربعین چنان والاست که امام حسن عسکری صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود:

یکی از علامتهای مؤمن زیارت اربعین سیدالشهدا است.

(۴۷)

ابعاد شخصیت سیاسی عَطِيَّةُ

زبان گویای ولایت علوی عَطِيَّةُ، که پرورش یافته مکتب تشیع راستین بود، آموخته‌هایش را با زبانی گویا برای جامعه اسلامی و تاریخ بیان کرد و به یادگار گذاشت. آن بزرگوار به شیوه‌ای زیبا به دفاع از حریم ولایت علوی پرداخت. بدین جهت نامش در سند بسیاری از روایاتی که منزلت و فضایل حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را بیان می‌کند، دیده می‌شود. (۴۸)

عَطِيَّةُ از کسانی است که حدیث غدیر خم را به دورترین نقاط بلاد اسلامی رساند. پیامبر اکرم صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامٍ در حجه الوداع در غدیر خم دست حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ را گرفت و به مردم فرمود:

ای مردم، آیا نمی‌دانید که من از خود مؤمنین به آنها سزاوارترم؟ گفتند:

آری، یا رسول الله. سپس فرمود:

«من كنت مولاہ فہذا علی مولاہ» (۴۹) عَطِيَّةُ در باره شأن نزول آیه شریف (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (۵۰)

می گوید:

«نزلت هذه الآية على رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ في علي بن ابي طالب صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ (۵۱)

این آیه در منزلت حضرت علی ابن ابیطالب صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ نازل شد.

بیان چنین احادیثی درباره‌ی شخصیت حضرت، در زمانی که آشکارا بدان بزرگوار ناسزا می گفتند، دارای ارزشی والا بود زیرا درباریان آگاه و مردم نا آگاه دشنام دادن بدان حضرت در هر قنوت و خطبه را از فرایض مسلمانان می دانستند. در چنین فضای آشوب زده ای، عَطِيَّةُ به افشاگری پرداخت و با نقل فضایل علی صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ کوشید ولایت را در جامعه تثبیت کند.

۲- زیارت اربعین و اقدامی انقلابی زیارت اربعین عَطِيَّةُ و جابر بن عبد الله در آن زمان حساس از بعد سیاسی اهمیت بسیار دارد. (۵۲) زمانی که یزید بن معاویه ریختن خون سیدالشهداء و اصحابش را افتخار می دانست و شیعیان آن حضرت در خفقان شدید به سر می بردند، بازمانده یاران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به زیارت تربت امام صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ شتافت. او در واقع فرستاده خاتم المرسلین به شمار می آمد؛ زیرا رسول خدا به وی وصیت کرده بود «یا جابر زر قبر الحسين فان زیارته تعدل مئة حجه» (۵۳) ای جابر، قبر فرزندم حسین را زیارت کن. چون ثواب زیارتش با ثواب صد حج برابر است.

جابر بعد از شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ و یارانش از این فاجعه تاریخی آگاه شده، با چشمان نابینا و دلی روشن و ضمیری پاک راه کوفه پیش گرفت و خود را به دست پرورده مکتب علوی یعنی عَطِيَّةُ عوفی رساند. این دو بزرگمرد در اربعین شهادت اباعبدالله الحسین صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ و اصحابش در سرزمین مقدس کربلا حضور یافتند و این افتخار را به دست آوردند که از اولین زائران حرم حسینی شوند. (۵۴) آنچه به زیارت اربعین جلوه‌های خاص از شهامت و شجاعت می دهد حرکت قهرمانانه این دو زائر در آن موقعیت حساس است؛ زیرا بعد از شهادت امام حسین صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ یزید کسی را مانع ظلم و فساد خود نمی دید و تمام سعی خودش را به کار برد تا با خفه کردن صدای هر مخالفی قیام عاشورا را امری عادی و غیر الهی جلوه دهد. بدین سبب، نگرش جامعه به نهضت امام حسین صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ در ابتدا نگرشی همراه با بی تفاوتی گاه اعتراض آمیز بود.

در آن موقعیت، حرکت جابر از مدینه و عَطِيَّةُ از کوفه برای زیارت سیدالشهدا تأییدی بر قیام آن حضرت بود.

(۵۵) به ویژه این که این زیارت با رسیدن بانوان اهل بیت و اسراء از شام و بر پایی سه روز سوگواری برای سالار شهیدان و یارانش مقارن بود.

(۵۶) این حرکت انقلابی به شعله‌ور شدن نهضت حسینی و افشای جنایات درخیمان بنی امیه انجامید و عَطِيَّةُ و جابر از بنیانگذاران قیامهایی شدند که در دفاع از قیام کربلا به وسیله توابین و دیگران شکل گرفت.

مقاومت عَطِيَّةُ

عَطِيَّةُ چون پرستویی عاشق و بلبل نغمه سرا در هر کوی و برزن ترانه عشق علی می خواند و لحظه‌ای آرام نمی گرفت. هیچ تازیانه‌ای نتوانست ندای این فریادگر عرفان و عدالت را خاموش سازد. تاریخ هرگز مبارزه سیاسی این دانشمند بزرگ را از یاد نمی برد. مبارزه سیاسی عَطِيَّةُ عوفی در زمان حکومت جبار عبدالملک مروان، پنجمین خلیفه اموی، در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی که دستانش به خون شیعیان علوی آغشته بود، همچنان جاودانه ماند. در زمان فرمانروایی این ستمگر اموی در کوفه قیامهای متعددی شکل گرفت که یکی از آنها قیام عبد الرحمن بن محمد بن اشعث در سال ۸۰ هـ. ق بود. این نهضت از خراسان آغاز شد.

عبد الرحمن، بعد از چندین بار درگیری با لشکر حجاج، سرانجام در سال ۸۳ در بصره دستگیر شد.

نکته جالب توجه در این قیام آن است که عده‌ای از بزرگان و دانشمندان شیعه و قاریان عراق مانند سعید بن جبیر و ابراهیم نخعی و

عَطِيَّةٌ عوفی، در رکاب عبد الرحمن بودند. وقتی عبد الرحمن شکست خورد، عَطِيَّةٌ به سمت فارس گریخت. حجاج در فرمانی، محمد بن قاسم ثقفی به فرماندار فارس نوشت عَطِيَّةٌ را دستگیر کرده، او را وادار سازد به حضرت علی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ناسزا بگوید و اگر امتناع ورزید چهارصد تازیانه بر وی زده، موی سر و محاسنش را بتراشند. فرماندار فارس عَطِيَّةٌ را فرا خواند و فرمان حجاج را برایش خواند، عَطِيَّةٌ زیر بار چنین ننگی نرفت؛ با کمال شهامت چون کوهی استوار ماند و سخت‌ترین شکنجه‌ها و تازیانه‌های امویان را تحمل کرد. این تابعی قهرمان مدتی در فارس اقامت گزید و چون قتیبه بن مسلم بر مسند استانداری خراسان جای گرفت به آنجا رفت و چندی در آن دیار به سر برد. سر انجام وقتی فرمانروایی عراق در دست عُمَرَ بْنِ هُبَيْرَةَ قرار گرفت، عَطِيَّةٌ نامه‌ای به وی نوشت و خواستار پناهندگی و بازگشت به کوفه شد.

عُمَرَ بْنِ هُبَيْرَةَ اجازه داد و عَطِيَّةٌ به کوفه باز گشت. این یاور مخلص اهل بیت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم در سال ۱۱۱ هجری قمری به سرای جاودانگی شتافت. (۵۷)

زیارت اربعین

کیفیت زیارت حضرت امام حسین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در این روز به دو نحو رسیده یکی زیارتیست که شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از صفوان جَمَال که گفت فرمود به من مولایم حضرت صادق صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ در زیارت اربعین که زیارت می‌کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ،

سلام بر ولی خدا و دوست او، سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ،

سلام بر بنده‌ی برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر حسین مظلوم و شهید

السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُفْرَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ،

سلام بر آن بزرگوار که به گرفتاریها اسیر بود و کشته اشک روان گردید خدایا من به راستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود

وَ صَفِيِّكَ وَ ابْنِ صَفِيِّكَ، الْفِ آئِزُّ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ،

و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی به وسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت

وَ أَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قِ آئِدًا مِنَ الْقَادَةِ،

و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو

وَ ذِ آئِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ آءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ آءِ،

و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث‌های پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی فَأَعَدَّرَ فِي الدُّعَاءِ آءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ،

او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد

لَيْسَتْ فِدَا عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا،

تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن

حضرت کسانی که دنیا فریشان داد
 وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ
 و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار
 وَ تَعَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْحَطَكَ وَ أَسْحَطَ نَيْبِكَ،
 و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند و تو و پیامبرت را بخشم
 وَ اطَّاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَهُ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ،
 آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنان ی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه به دوش
 می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند
 فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ،
 آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش
 شکسته شد

اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَ بِيَاً وَ عَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا،
 خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک
 اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ
 سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء
 اَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا
 گواهی دهم که به راستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اوایی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی
 وَ مَتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ اَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ،
 و گمگشته و ستمدیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا به راستی وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده
 وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ اَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ،
 و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو به خوبی وفا
 کردی به عهد خدا

وَ جَاهَدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ،
 و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد
 وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،
 و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
 خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم به
 فدایت ای فرزند رسول خدا

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ،
 گواهی دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهایی پاکیزه
 لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدَّ لِهَمَاتٍ مِنْ ثِيَابِهَا،
 که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعِ آئِمِّ الدِّينِ وَ أَزْكَانِ المُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ،
و گواهی دهم که به راستی تو از پایه‌های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيِّ، الرَّضِيِّ الرَّكِيِّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ،
و گواهی دهم که تو به راستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ای
وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى،
و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه‌های هدایت
وَ الْعَزْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ،
و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم
وَ بِيَايِبِكُمْ مُوقِنٌ، بِسُرَايِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ،
و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شماست
وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ،
و کارم پیرو کار شماست و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد
فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ
پس با شمایم نه با دشمنان شما درودهای خدا بر شما و بر روانهای شما
وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان
پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی.
(مفاتیح الجنان)

منابع و مآخذ

مجموعه ورام
نَهْرُ الذَّهَبِ
نَهْرُ الذَّهَبِ
مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ
تهذیب
مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ
شَدْرَاتُ الذَّهَبِ
المختصر
رُوحُ الْمَعَانِي
مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ
المدخل
الْفَتَاوَى الْفَقْهِيَّةُ
الغدیر

الْبَحْرُ الرَّائِقُ

الفقه على المذاهب الاربعه

هدایه، مرغینانی

میزان شعرانی

مَنْ لَّا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه

کافی در حاشیه مرآت العقول

المغنی

الفروع، ابن المفلح

کتاب الام

مختصر المزنی

الوجیز غزالی

چهره‌ی خونین حسین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا دَاسْتَانَ كَرِيلاً

بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى

بِحَارِ الْأَنْوَارِ

اختیار معرفه الرجال

معجم رجال الحديث

رجال الشيخ

الاصابه

تهذيب الاسماء

تنقيح المقال

طبقات الكبرى

رِيحَانَةُ الْأَدَبِ

تنقيح المقال

تهذيب التهذيب

تاريخ التراث العربي

رجال شيخ طوسی

جابر بن عبد الله انصاری

بَلَاغَاتِ النِّسَاءِ

بررسی تاریخ عاشورا

بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى

کامل الزیارات

اعیان الشیعه

تاریخ یعقوبی

الاعلام زرکلی

پی‌نوشت

- (۱) - مجموعه ورام ص ۲۷۶
- (۲) - مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج ۲ ص ۱۵
- (۳) - نَهْرُ الذَّهَبِ ج ۱ ص ۲۶۳ - ۲۶۷
- (۴) - تَهْدِيبُ ج ۲ ص ۱۷، مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ ص ۵۵۱
- (۵) - مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ ج ۱ ص ۱۰۷
- (۶) - رُوحُ الْمَعَانِي ج ۱ ص ۴۷
- (۷) - الْمُخْتَصَرُ ص ۱۶۵
- (۸) - شَدْرَاتُ الذَّهَبِ ج ۴ ص ۱۴
- (۹) - الْمَدْخَلُ ج ۱ / ص ۴۶
- (۱۰) - الْفَتَاوَى الْفَقْهِيَّةُ ج ۱ ص ۲۶۴
- (۱۱) - الْغَدِيرُ ج ۱۰ ص ۲۱۱
- (۱۲) - اینها که نقل شد از نخستین مخالفت‌های اهل سنت با شیعه نیست، ابواسحاق شیرازی در مهذب ج ۱ / ص ۱۳۷ و غزالی در الوجیز ج ۱ ص ۵۶۰ و عینی در عمده القاری ج ۴ ص ۲۴۸ و ابن مفلج در فروع ج ۱ ص ۲۸۱ و ابن قدامه در مغنی ج ۲ ص ۵۰۵ و سرخسی در مبسوط ج ۲ ص ۶۲ و شعرانی در رحمه الامه در حاشیه المیزان شعرانی ج ۱ ص ۸۸ در مورد سنت در تسطیح قبور گفته‌اند:
چون تسطیح در قبور از اشعار رافضه شده بهتر اینست که با آنان در این مورد مخالفت شود.
یکی از این موارد که بر خلاف سنت عمل شده، موضوع صلوات بر اهل بیت می‌باشد، زمخشری در کشف سوره احزاب ذیل آیه شریفه «ان الله و ملائکته یصلون» می‌گوید:
صلوات بر آل مکروه است زیرا گفتن این جمله گوینده را به رفض متهم می‌کند و پیغمبر فرمود:
از موافق تهمت دوری کنید و خود را در معرض اتهام قرار ندهید.
ابن حجر در فتح الباری ج ۱۱ ص ۱۳۵ گفته: علماء در صلوات بر غیر انبیاء اختلاف کرده‌اند، پس از این که بر مشروعیت آن اجتماع دارند، بعضی گفته‌اند:
به طور افراد جایز نیست و باید این عمل ترک شود زیرا این اشعار رافضه است.
زرقانی در شرح مواهب ج ۵ ص ۱۳ گوید:
بعضی از اهل علم سر عمامه خود را از جلو روی شانه چپ می‌انداخت و من دلیل در انداختن سر عمامه به روی شانه راست جز در یک حدیث ضعیف ندیده‌ام و چون افکندن عمامه بالای شانه چپ از شعار روافض است سزاوار است برای عدم تشبه به آنان ترک شود.
- (۱۳) - میزان شعرانی ج ۱ ص ۱۳۸
- (۱۴) - هدایه، مرغینانی ج ۱ ص ۳۳
- (۱۵) - الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۱۸۹

- (۱۶) - أَلْبَحْرُ الرَّائِقِ ج ۱ ص ۳۱۹
- (۱۷) - کافی در حاشیه مرآت العقول ج ۳ ص ۱۲۹ و مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ۶۹ و تهذیب ج ۱ ص ۱۶۶.
- (۱۸) - مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ص ۶۹.
- (۱۹) - المغنی ج ۱ ص ۲۶۶ و الفروع، ابن المفلح ج ۱ ص ۳۸۲.
- (۲۰) - کتاب الام ج ۱ ص ۱۱۶، مختصر المزنی ج ۱ ص ۹۰، الوجیز غزالی ج ۱ ص ۳۲.
- (۲۱) - چهره‌ی خونین حسین سیدالشهداء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ یا داستان کربلا صص ۴۴۰ - ۴۵۱
- (۲۲) - بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى ص ۷۴، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۵.
- (۲۳) - اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۸.
- (۲۴) - اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۸۸ (مقصود وی امام باقر صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بود).
- (۲۵) - همان، ص ۴۴، ح ۹۳.
- (۲۶) - همان، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۹۵.
- (۲۷) - مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ۳، ص ۵۸۰ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۱، ص ۱۴۱.
- (۲۸) - سَفِينَةُ الْبِحَارِ ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۱
- (۲۹) - معجم رجال الحديث ج ۴ ص ۳۳۰
- (۳۰) - رجال الشيخ ص ۷۳ - الاصابه ج ۱ ص ۲۱۳ - تهذیب الاسماء ج ۱ ص ۱۴۲ - الاعلام ج ۱ ص ۲۱۳ - تنقیح المقال ج ۱ ص ۱۹۹
- (۳۱) - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۲۵.
- (۳۲) - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۲، ص ۲۰۶، (چاپ قدیم) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.
- (۳۳) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴.
- (۳۴) - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.
- (۳۵) - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴ - جابر بن عبد الله انصاری، ص ۲۰۸.
- (۳۶) - رجال شیخ طوسی، ص ۵۱ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶.
- (۳۷) - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۶ - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳ - طبقات، ج ۶، ص ۳۰۴.
- (۳۸) - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۵ - طبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۴۶ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶.
- (۳۹) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۲۵ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۵.
- (۴۰) - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۴ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۹۹.
- (۴۱) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳.
- (۴۲) - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳.
- (۴۳) - تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء اول، ص ۷۳.
- (۴۴) - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳.
- (۴۵) - بَلَاغَاتِ النِّسَاءِ، ص
- ۱۲ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - بررسی تاریخ عاشورا، ص ۲۴۶.
- (۴۶) - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸ - سَفِينَةُ الْبِحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۵ - بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى، ص ۸۹.

- (۴۷) - بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶ - کامل الزیارات، باب ۲۸: ص ۹۰.
- (۴۸) - سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۴ - رِيحَانَةُ الْأَدَبِ، ج ۴، ص ۲۱۸.
- (۴۹) - بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۸۵.
- (۵۰) - مانده، آیه ۶۷.
- (۵۱) - بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۹۰.
- (۵۲) - بررسی تاریخ عاشورا، ص ۲۴۴ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.
- (۵۳) - جابر بن عبد الله انصاری، ص ۲۰۵.
- (۵۴) - بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۳۰ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.
- (۵۵) - اعیان الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۳ - مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ، ص ۷۳۰.
- (۵۶) - سوگنامه
- (۵۷) - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷۷ و ۲۷۸. (سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۶، ص ۲۹۶ - الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۲۳۷ - طبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۰۴).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار تیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

